

## بررسی و توصیف نظام عروضی در زبان‌های روسی و فارسی

زینب صادقی سهل‌آباد<sup>۱</sup>

مربی زبان و ادبیات روسی دانشگاه الزهراء (س)

ملیحه جزسیدمحمدحکیم

دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران

(از ص ۸۷ تا ۹۸)

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۷، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۹

### چکیده

شعر دارای ویژگی‌های مختلفی از قبیل وزن و آهنگ و قافیه و صور خیال است. هریک از این ویژگی‌ها به گونه‌ای معرف هویت شعرند. در این مقاله، به ویژگی‌ها و تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام عروضی و نیز وزن و آهنگ شعر در دو زبان روسی و فارسی پرداخته شده است. از آنجاکه این بُعد از ویژگی‌های شعر در زبان روسی، در کشور ما بدان اندازه که باید، بررسی نشده، با هدف آشنایی هرچه بیشتر با زبان شعر، چنین پژوهشی انجام یافته است. هدف دیگر این مقاله، درک تفاوت‌های نظام عروضی در زبان‌های مختلف است. روش بررسی در این پژوهش، مقایسه‌ای است. در ابتدا، تعریف مختصری از نظام عروضی و نیز چگونگی اوزان شعری در هر دو زبان گفته شده و این نتیجه به دست آمده است که درک وزن شعر در زبان بیگانه می‌تواند به فهم عمیق‌تر و ترجمه بهتر آن کمک شایانی کند. ضمن اینکه وزن شعر در هر زبان با ویژگی‌ها و ساختار آوایی آن زبان، ارتباط تنگاتنگ دارد.

**واژه‌های کلیدی:** شعر، نظام عروضی، وزن، آهنگ، مقایسه، زبان روسی، زبان فارسی.

## ۱. مقدمه

در زمینه علم عروض (*стихосложение*) در زبان فارسی، کتابها و مقالات متعددی نوشته شده است. وحیدیان کامکار (۱۳۶۴) مقاله‌ای دارد با عنوان «روش ساده در آموزش عروض». صدری (۱۳۶۹) به شرح «آهنگ‌شناسی یا عروض آسان» در مقاله‌ای با همین عنوان پرداخته است. نجفی (۱۳۹۰) مسئله چندوزنی در شعر فارسی را بررسی کرده است و مقاله‌ای با عنوان «ذوب‌ترین، مشکل بزرگ عروض قدیم» نوشته است، اما در زمینه عروض روسی و مقایسه نظام عروضی دو زبان فارسی و روسی، پژوهشی صورت نگرفته است. فقط کریمی مطهر (۱۳۸۶) در کتاب *تئوری ادبیات* (به زبان روسی) عروض روسی و اوزان گوناگونش را توضیح داده است. در این مقاله، درصدد بوده‌ایم تا ضمن بررسی عروض روسی، وجوه تمایز و اشتراک نظام عروضی زبان روسی را با زبان فارسی نشان دهیم.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. تعریف عروض و شعر

عروض یکی از اقسام علوم ادبی است که موضوع آن بحث در وزن (آهنگ) شعر است و درمورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن و برخی از شگردهایی که مخصوص کلام منظوم است، بحث می‌کند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳). عروض، میزان کلام منظوم است و آن را بدان جهت عروض خوانده‌اند که «معروض‌الیه» شعر است؛ یعنی شعر را به آن عرضه دارند تا موزون از ناموزون شناخته شود (شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۲۰). شعر، تألیفی است از کلمات که نوعی از وزن در آن بتوان شناخت (صدفی، ۱۳۶۵: ۵۴).

این کلام بر این مسئله دلالت دارد که وزن و آهنگ با هویت شعر پیوند خورده است. گرچه در شعر معاصر، این ویژگی دستخوش تغییراتی شده است، همچنان اهمیت وزن و آهنگ در شعر قابل درک و لمس است. «وزن، نظم و تناسبی است در اصوات. شعر از کلمات تشکیل می‌شود و کلمه مجموعه‌ای از اصوات ملفوظ است، پس وزن شعر حاصل نظم و تناسبی است که در صوت‌های ملفوظ ایجاد شده باشد» (شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۲۴). وزن، نظم و تناسب خاص در اصوات شعر است که در شعر ملل مختلف انواع گوناگون دارد و بیانگر نوعی آهنگ و موسیقی است؛ به همین دلیل وزن در اشعار همه زبان‌ها یکسان نیست.

در زبان روسی نیز «ساختار کلام منظوم را وزن شعر (عروض) می‌گویند» (اوژگوف، ۲۰۱۰: ۶۱۵). تعریف شعر، یکی از مشکل‌ترین مباحث ادبیات است و شاید بتوان گفت که شعر یکی از اصطلاحات تعریف‌ناپذیر است و اصولاً نمی‌توان تعریف واحدی برای آن یافت. ملک‌الشعرای بهار (۱۳۸۹: ۱۲۱۳) در شعری، تعریف شعر را بدین گونه آورده‌است:

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل      شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سُفت  
صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر      ای بسا ناظم که نظمش نیست الا حرف مفت  
شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب      باز بر دل‌ها نشیند هر کجا گوشه شنف  
ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت      وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

باریس پاسترناک (۱۹۳۳: ۲۴۵) در سروده‌ای به سال ۱۹۲۲، با قریحه شاعرانه خود تعریف زیبایی از شعر داده‌است: «شعر صدای تق‌تق قندیل‌های خردشده است / شبی است که بر برگ‌ها لباس یخ می‌پوشند / و نبردی‌ست میان دو بلبل».

و یا در سروده‌ای دیگر با عنوان «شعر» به سال ۱۹۳۱، از الهام و مستولی شعر بر وجود خود، چنین می‌سراید: «اوه اگر می‌دانستم که این واقعه ممکن است رخ دهد / از همان اول که دل به دریا زدم و آغاز کردم / که مصرع‌های شعر خون می‌طلبند و می‌کشند تو را / دست بر گلویش می‌گذاشتم و کارش را می‌ساختم» (همان: ۱۷۶).

## ۲-۲. تاریخچه عروض در زبان فارسی

از سابقه عروض و معیار سنجش اشعار فارسی پیش از اسلام اطلاعی نداریم. آنچه اینک پیش روی ماست، از ابداعات خلیل بن احمد فراهیدی ازدی، از دانشمندان معروف عرب سده دوم هجری، است. او بود که روابط میان اوزان و اشعار را استخراج و تنظیم کرد. پس از رواج فارسی دری در جای‌جای ایران زمین، شاعران و سخنوران فارسی‌زبان همان قواعد را پذیرفتند، اما برحسب نیازهای ذوقی خود تغییراتی در آن دادند و این تغییر هنوز هم ادامه دارد (ماهیار، ۱۳۷۸: ۱۳). درباره منشأ وزن فارسی دری نیز نظریات مختلف وجود دارد. بعضی معتقدند که ایرانی‌ها موازین هجایی ایرانی را با عروض کمی عربی تطبیق کرده‌اند و از این انطباق، شعر فصیح فارسی به وجود آمده‌است (فضیلت، ۱۳۷۸: ۷). در دوران مشروطه که آشنایی‌هایی با شعر اروپایی حاصل شد، بحث‌هایی هم در زمینه نو کردن عروض در گرفت. کسانی چون عبدالحسین آیتی و یحیی دولت‌آبادی و دیگران کوشش‌هایی در این زمینه کردند که

کلاً سطحی بود و هیچ کدام موفق به ارائه نظریه بنیادی اصیلی نگشتند. در روزگار ما، اشخاص متعددی با شیوه‌های گوناگون به بحث در عروض پرداختند. از میان ایشان مسعود فرزاد، دکتر پرویز ناتل خانلری، و ابوالحسن نجفی را باید نام برد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۹).

وزن شعر فارسی از ابتدا هجایی بوده‌است و در حال حاضر نیز اشعار فارسی بر همین وزن سروده می‌شود.

### ۳-۲. تاریخچه عروض در زبان روسی

اشعار حماسی، سرودهای مذهبی، داستان‌های منظوم، مغازلات و ترانه‌های عاشقانه، از ابتدایی‌ترین گونه‌های شعر در زبان روسی است. نفیسی (۱۳۴۴: ۳۳) می‌نویسد:

مغازلات و ترانه‌های عاشقانه هر کدام آهنگ و موسیقی مخصوص به خود و حتی لحن خاص دارند و تنوع موسیقی آن‌ها و پس از آن، بیان شاعرانه و انسجام سخن، جلوه خاصی به آن‌ها داده‌است (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۳). در تاریخچه شعر روسی می‌توان دوره‌های مختلفی را از حیث وزن شعر و نظام عروضی مشاهده کرد. شعر ملی روسی، تکیه‌ای (*тонический*) (ضربه‌ای) است. اشعار ابتدای قرن ۱۷ تا قرن ۱۸ دارای وزن سیلابی (هجایی) (*силлабический*)، اشعار کلاسیک روسی (قرن ۱۹) دارای وزن هجایی - تکیه‌ای (*силлабо-тонический*) و اشعار قرن بیستم براساس وزن هجایی - تکیه‌ای بوده‌اند و غالباً براساس وزن تکیه‌ای صرف سروده می‌شدند (دارونینا و فرانسووا، ۲۰۰۴: ۹۰). نظم ملی روسی در ابتدا تکیه‌ای بود. ریتم این نوع شعر بر پایه تکرار یک اسلوب مشخص از تکیه‌ها در یک مصراع بنا شده بود؛ به همین دلیل غالباً این اشعار مقفی بودند. در ابتدای قرن هفدهم، سیستم سیلابی (هجایی) در روسیه رواج پیدا کرد. در این نظام، تساوی تعداد هجاها تعیین‌کننده بودند. این اشعار با قافیه یا بدون آن سروده می‌شدند. در میانه قرن هجدهم، در اشعار روسی، نظامی ترکیبی به وجود آمد که به آن نظام تکیه‌ای - هجایی می‌گفتند. در این نظام، قواعد دو سیستم پیشین با یکدیگر ترکیب شده بود، به این معنا که هم تساوی تعداد هجاها (*силлаб*) و هم نحوه قرار گرفتن تکیه‌ها (*ударение*) مهم بودند. این نظام عروضی را دو تن از شاعران رفرمیست (*реформист*) بزرگ روس، واسیلی کریلوویچ تردیاکوفسکی ( *Василий*

Крилович Тредиаковский) و میخائیل واسیلویچ لاماناسوف (Михаил Ломоносов Васильевич)، ارائه کردند (اورلیتسکی، ۲۰۰۲: ۴۱). واسیلی تردیکوفسکی، شاعر بسیار پرکاری بود. در میان آثار وی چیزی که بیشتر جالب توجه است، کتاب‌هایی است که درباره اصول ادبیات و قواعد زبان نوشته و از آن جمله کتابی است در قوافی و کتابی که در سال ۱۷۳۵ به عنوان *طریقه تازه و سریع برای سرودن اشعار روسی* نوشته است. وی در این کتاب، شعر عروضی را به شعر هجایی ترجیح داده است.

#### ۲-۴. انواع وزن در زبان‌های گوناگون

وزن شعر عبارت است از ایجاد نوعی نظم در هجاها، که در زبان‌های مختلف یکسان نیست و بسته به ویژگی‌های آن زبان تغییر می‌کند. به گفته خانلری (۱۳۳۷: ۱۲) در هر زبان، یکی از انواع وزن، معمول است و اتخاذ آن از روی تفنن نیست، بلکه با صفات و خصایص تلفظ زبان ارتباط دارد. وی اوزان شعری را بر مبنای ویژگی‌های زبان‌های مختلف بدین صورت تقسیم‌بندی می‌کند:

۲-۴-۱. **وزن کمی:** این وزن، مبتنی بر امتداد زمانی هجاهاست و خاص زبان‌هایی است که در آن‌ها کمیت کوتاهی و بلندی و احیاناً کشیدگی مطرح است؛ مانند وزن شعر فارسی و عربی و یونانی و سانسکریت.

۲-۴-۲. **وزن ضربی (تکیه‌ای):** این وزن، مبتنی بر تساوی تعداد تکیه‌ها در هر مصراع شعر است و خاص زبان‌هایی است که در آن‌ها هجای تکیه‌دار اصل است و هجای بی‌تکیه سریع تلفظ می‌شود؛ مانند وزن شعر آلمانی.

۲-۴-۳. **وزن آهنگی (کیفی):** این وزن، مبتنی بر تنظیم هجاهای شعر برحسب ارتفاع صوت یعنی زیر و بمی آن‌هاست، یعنی اگر یک کلمه یک‌هجایی را زیر تلفظ کنیم یک معنا دارد، و اگر بم تلفظ کنیم معنایی دیگر؛ مانند وزن زبان‌های چینی و ویتنامی.

۲-۴-۴. **وزن هجایی (عددی):** این وزن، فقط مبتنی بر تساوی تعداد هجاهای هر مصراع است و هیچ عامل دیگری در آن دخیل نیست؛ مانند وزن شعر فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، ژاپنی.

همان‌طور که ملاحظه شد، وزن شعر فارسی، کمی و وزن شعر روسی، تکیه‌ای است.

شعر از بدو پیدایش نزد همه اقوام با وزن ملازمه داشته و دارد؛ با این تفاوت که اعتبار وزن همیشه و نزد همه ملل یکسان نیست. اهل هر زبانی وزن شعر خود را در تناسب‌هایی خاص احساس می‌کنند که اهل زبان دیگر ممکن است آن تناسب را احساس نکنند. به همین دلیل است که چیزی که برای مردم ایران موزون است، برای مردم انگلیسی‌زبان موزون نمی‌نماید و برعکس. وزن می‌تواند - دست‌کم به لحاظ تجربی - در هر زبانی صورت‌های گوناگونی داشته باشد (صدفی، ۱۳۶۵: ۳۳).

## ۵-۲. مبانی وزن در شعر فارسی

وزن شعر فارسی مبتنی بر توالی‌های خاصی از هجاهای کوتاه و بلند در یک مصراع و تکرار عین آن توالی در مصراع‌های دیگر است؛ بنابراین، وزن شعر فارسی مجموعه‌ای از هجاهای کوتاه و بلند است که با نظم مشخص پی‌درپی قرار گرفته باشد. هر نظم خاص، وزن خاصی را به ذهن متبادر می‌کند. پس، شعر فارسی به طور کلی مبتنی بر کمیت (کوتاه و بلندی) هجاهاست (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۹).

## ۶-۲ هجا

هجا (بخش) یک واحد گفتار است که با هر ضربه هوای ریه به بیرون رانده می‌شود. زبان فارسی سه نوع هجا دارد:

۱-۶-۲. هجای کوتاه: دارای دو حرف است که با علامت  $U$  نشان داده می‌شود؛ مانند:

ن:

۲-۶-۲. هجای بلند: دارای سه حرف است که با علامت - نشان داده می‌شود؛ مانند:

سَر، پا.

۳-۶-۲. هجای کشیده: دارای چهار یا پنج حرف است که با علامت  $U$  نشان داده

می‌شود؛ مانند: نرم.

برای مثال، اگر بخواهیم کلمه دبستان را به هجاهای مختلف تقسیم کنیم، خواهیم

داشت: دَ ( $U$ ) پس (-) تان ( $U$ -) (ماهیار، ۱۳۷۸: ۱۶).

وزن اشعار نیمایی نیز مانند اشعار سنتی، عروضی است با این تفاوت که تساوی طولی مصاریع و بالتبع تساوی تعداد هجاهای مصراع‌ها شرط نیست. در اشعار سپید یا شاملویی، هیچ نظم و تناسب خاصی مابین هجاهای کوتاه و بلند نیست، ولی نوعی آهنگ و موسیقی از این گونه اشعار به گوش می‌خورد که در مجموع آن را از نثر

مشخص می‌کند؛ بدین ترتیب، وزن این گونه اشعار عروضی نیست (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۵). این گونه اشعار به «شعر بی‌وزن» هم معروف است. این اصطلاح از آنجا ناشی شده است که به وزن فقط از دیدگاه شعر سنتی (وزن عروضی) نگریسته شده است.

## ۷-۲. ارکان یا افاعیل عروضی

برای سنجیدن وزن شعر، از ارکان یا افاعیل عروضی استفاده می‌شود. هر رکنی، از ترکیب چند هجا ساخته می‌شود. این رکن‌ها را افاعیل عروضی نیز گفته‌اند. افاعیل عروضی، میزان اشعارند و مانند میزان‌های صرفی، در ساختمان آن‌ها کلمه فعل به کار رفته است، مثل فعولن، مفاعیل، فَعَل و... ارکان بر دو قسم‌اند: رکن‌های اصلی و رکن‌های فرعی. رکن‌های اصلی، هشت رکن هستند که به سه دسته سه‌هجایی، چهارهجایی، و پنج‌هجایی تقسیم می‌شوند. رکن‌های فرعی با تغییر رکن‌های اصلی به دست می‌آیند و با عنوان زحافات شناخته می‌شوند (ماهیار، ۱۳۷۸: ۱۷).

برای آنکه وزن یک بیت یا یک مصراع را بسنجند، از تقطیع کردن استفاده می‌کنند. با این روش، هجاهای بیت یا مصراع، زیر هجاهای وزن مورد نظر و همراه با علائم خاص هجاهای بلند یا کوتاه نوشته می‌شود.

«تقطیع عبارت است از برابر کردن هجاهای یک بیت با هجاهای افاعیل بحری که بیت در آن بحر و وزن سروده شده است» (همان). در تقطیع شعر، آنچه خوانده و شنیده می‌شود ملاک است نه آنچه نوشته می‌شود. مثلاً اگر واژه خواهان در شعر باشد، نه به تعداد حروف، بلکه به تعداد هجاها توجه می‌کنیم: خاهان (— U—). وزن‌ها و بحرهای شعر فارسی بسیار گسترده و متنوع است که در این مقوله نمی‌گنجد. در ادامه، به وزن شعر در زبان روسی خواهیم پرداخت.

## ۸-۲. وزن‌های اصلی عروضی شعر در زبان روسی

وزن شعر در سیستم عروضی ادبیات یونان و روم باستان براساس جابه‌جایی هجاهای بلند و کوتاه تعیین می‌شد. در ادبیات فرانسه و لهستان، سیستم نظم‌نویسی، هجایی بود که براساس تعداد هجاهای هر مصرع و بدون در نظر گرفتن تکیه روی کلمات تعیین می‌شد. این سیستم در اواسط قرن هفدهم میلادی وارد ادبیات روسیه شده بود. سیستم هجایی با روح و مختصات زبان روسی بیگانه بود؛ به همین دلیل مدت زیادی دوام نیاورد. واسیلی تردیکوفسکی و میخائیل لامانوساف سیستم نظم‌نویسی

هجایی - ضربی را وارد ادبیات روسیه کردند که با ویژگی‌های زبان روسی هم مطابقت داشت. سیستم هجایی - ضربی براساس تعداد مشخص هجاها در هر مصراع و جابه‌جا شدن هجاهای با تکیه و بدون تکیه تعیین می‌شود. هجاهای تکیه‌دار و بدون تکیه را که در یک مصراع تکرار می‌شوند، رکن (*стопа*) می‌گویند. پنج نوع رکن و مطابق با آن پنج وزن (*размер*) اصلی شعر وجود دارد (کریمی مطهر، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

واحد وزن در شعر فارسی، مصراع است و در شعر روسی رکن. یعنی وزن شعر با تعیین تعداد هجاها (*слог*) و جای ضربه (*ударение*) در هر رکن مشخص می‌شود و همانند شعر کلاسیک فارسی، وزن یک مصراع شعر برابر است با وزن هر یک از مصراع‌های دیگر. به عبارت دیگر، وزنی که شاعر برای یک مصراع اختیار می‌کند، برابر است با وزن کل شعر. البته ممکن است طبق اختیارات شاعری، در هجای آخر مصراع، تخطی (*отступление*) صورت بگیرد یا بی‌نظمی‌هایی (*пrrихий*) در بعضی سطرها دیده شود که به آهنگین‌تر شدن شعر کمک می‌رساند.

اوزان عروضی در زبان روسی از ترکیب هجاها و با تأکید بر ضربه کلمه ساخته می‌شود. اوزان دوهجایی و سه‌هجایی پرکاربردترند، اما اوزان چهار و پنج‌هجایی هم در این زبان وجود دارد.

اوزان دوهجایی، خارئی (*хорей*) و یامب (*ямб*) نام دارند و اوزان سه‌هجایی، داکتیل (*дактиль*) و آنفیراخی (*амфибрахий*) و آناپست (*анapest*). در زیر، فهرستی از انواع اوزان عروضی زبان روسی آمده‌است:

#### - دوهجایی‌ها (*двухсложные*)

دیبیراخی (پیریخی) / دو هجای کوتاه بدون ضربه *UU* *дибрахий*  
 ((*пrrихий*)

تراخی (خارئی) یک هجای بلند و یک هجای کوتاه *U* - *трохей* (*хорей*)  
 (هجاهای بلند با ضربه و هجاهای کوتاه بدون ضربه)

یامب / یک هجای کوتاه و یکی بلند (با ضربه) *U* - *ямб*

اسپاندی (دو هجای بلند) (با ضربه) - - *спондей*



### سه‌هجایی‌ها *трёхсложные*

تریبراحی (سه هجای کوتاه) *UUU* *трибрахий*

آمفیبراحی (یک هجای بلند میان دو هجای کوتاه) *U\_U* *амфибрахий*

آناپست (دو هجای کوتاه بدون ضربه و یک هجای بلند) *UU\_* *анapest*

پالیمباخی (*палимбахий*)

داکتیل (یک هجای با ضربه (بلند) و دو هجای کوتاه) *UU* *дактиль*

کرتیک (آنفیماکر) (یک هجای کوتاه و دو هجای بلند) *U\_* *кретик*

(*амфимакр*)

آنتاپست (دو هجای بلند و یک هجای کوتاه) *\_\_ U* *антанapest*

باکخی (آنتی‌داکتیل) (یک هجای کوتاه و دو هجای بلند) *U \_\_* *бахий*

(*антидактиль*)

مالوس (تریماکر، اکستنسیپس) (سه هجای بلند) *\_\_\_* *молос"*

(*тримакр, экстенсипес*) (اورلیتسکی، ۲۰۰۲: ۴۱).

این وزن‌ها، از پرکاربردترین اوزان شعر روسی‌اند، اما در وزن‌های چهار و پنج‌هجایی نیز اشعاری سروده شده‌است. به سبب پرهیز از اطالۀ کلام، به بردن نام بعضی از این وزن‌ها بسنده کرده‌ایم:

**چهارهجایی‌ها:** پیون پروی (*пеонпервый*)، پیون فتاروی (*пеонвторой*)، خارئی

یامب (*хориямб*)، آنتی سپاست (*антиспаст*).

**پنج‌هجایی‌ها:** پروماکر (*промакр*)، مساماکر (*месомакр*)، داسی (*дасий*)، آمبی

(*амбей*)، پریراحی (*пробрахи*) (آپانوویچ، ۲۰۰۳: ۵۱).

در سیستم ضربی - هجایی، فقط همین پنج وزن وجود دارد، ولی در حقیقت

ضرب‌آهنگ آن‌ها بسیار متنوع است و علتش تعداد متنوع ارکان و بی‌نظمی‌هاست.

همان‌طور که ملاحظه شد، در خارئی و یامب، ارکان از دو هجا تشکیل شده‌اند. در

خارئی هجای اول با تکیه و هجای دوم بدون تکیه است ولی در یامب، برعکس،

هجای اول بدون تکیه و هجای دوم دارای تکیه است. در داکتیل، آنفیراخی و

آناپست، ارکان از سه هجا تشکیل شده‌اند. در داکتیل، هجای اول با تکیه و هجای

دوم و سوم بدون تکیه‌اند. در آنفیراخی، هجاهای اول و سوم بدون تکیه‌اند و هجای

دوم با تکیه است. در آنایست، هجای اول و دوم بدون تکیه و هجای سوم دارای تکیه است (کریمی مطهر، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

در زبان روسی اشعاری وجود دارد که در آن‌ها سطرها با طول‌های مختلف تنظیم می‌شوند. به این نوع اشعار، مختلف‌الارکان (*разностопный*) گفته می‌شود؛ برای مثال، شعر «شب زمستانی» از باریس پاسترناک در رمان «دکتر ژیواگو»، در وزن یامب (*ямб*) با تعداد ارکان مختلف در هر سطر سروده شده‌است که سطرهای زوج آن دورکنی و سطرهای فرد چهاررکنی هستند.

از آنجاکه درباره تقطیع شعر صحبت شد و نیز برای واضح‌تر شدن این مسئله، ابیاتی از اشعار فارسی و روسی را تقطیع می‌کنیم و وزن آن را مشخص می‌سازیم:

یار شدم، یار شدم، با غم تو یار شدم      تا که رسیدم بر تو از همه بیزار شدم

یا	ر	ش	دَم	یا	ر	ش	دَم	با	غ
	م	ت	یا		م	ت	یا		
تا	ک	ر	سی	دَم	ب	ر	ت	از	ه
	م	بی	زا	ر	ش	دَم			

\_ UU\_ | \_ UU\_ | \_ UU\_ | \_ UU\_  
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن (بحر رجز)

*Долго ль мне гулять на свете  
То в коляске, то верхом,  
То в кибитке, то в карете,  
То в телеге, то пешком?*

\_ U | \_ U | \_ U | \_ U  
\_ U | \_ U | \_ U | \_  
\_ U | \_ U | \_ U | \_ U  
\_ U | \_ U | \_ U | \_

(*Дорожные жалобы, Хорей А. С. Пушкин*)

«چه بسا گشتن‌ها / گاه در کالسکه، گاه سواره / گاه در خیمه، گاه در ارايه / گاه در گاری، گاه

پیاده» (پوشکین، شکوه‌های جاده، خارئی)

همان‌طور که مشاهده شد، علایم مشترکی در هر دو زبان برای تقطیع اشعار به کار

می‌رود، با این تفاوت که در شعر فارسی (-) نشان‌دهندهٔ هجای بلند است و در زبان روسی نشان‌دهندهٔ هجایی است که ضربه دارد و در واقع هجای ضربه‌دار، کشیده‌تر تلفظ می‌شود. و نشانهٔ  $U$  در فارسی، هجای کوتاه و در روسی هجای بدون تکیه را نشان می‌دهد.

### ۳. نتیجه

مطالعهٔ تفاوت‌ها و شباهت‌های دو زبان در زمینه‌های گوناگون، امکان بررسی همه‌جانبهٔ مبحث مورد نظر را فراهم می‌سازد. هنگامی که مطلبی را فقط در یک زبان بررسی می‌کنیم، ممکن است زوایای خاصی از ظرافت‌های زبانی از دید ما پنهان بماند، اما وقتی یک زبان در مقابل زبانی دیگر و در مقام مقایسه قرار گیرد، تمام ویژگی‌های خاصش بروز می‌یابد؛ این نکته، ضرورت مطالعات تطبیقی را بیش از پیش نشان می‌دهد. در نوشتار حاضر، ویژگی‌های نظام عروضی، و همچنین وزن و آهنگ شعری در دو زبان روسی و فارسی بررسی شد و مشخص شد که در زبان فارسی، نظام عروضی بر پایه وزن کمی و وابسته به تعداد هجاها و کوتاهی و بلندی آن‌ها در هر مصراع است، در صورتی که در زبان روسی، مبنای اوزان، تکیه (ضربه) کلمات است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که وزن شعر در هر زبان، ارتباط تنگاتنگی با ویژگی‌ها و مختصات خاص آن زبان دارد و چنانچه سعی شود که در زبانی، از نظام عروضی متداول دیگر زبان‌ها استفاده شود، به احتمال زیاد با شکست مواجه خواهد شد. تا هنگامی که آن نظام عروضی منطبق بر ویژگی‌های زبانی نباشد - چه از لحاظ آوایی و دیدگاه مخاطب و چه از لحاظ تئوری و مبانی زبان - مقبول نخواهد افتاد؛ همان‌گونه که زبان روسی مدتی وزن هجایی را تجربه کرد، اما در آخر، وزن ضربی و هجایی - ضربی جایگزین آن شد؛ زیرا مخاطبان از لحاظ آوایی‌شناختی و عادات شنیدن، به تشخیص ضربه‌ها در کلمات عادت داشتند و همین عامل، واژگان و عبارات زبان روسی را آهنگین می‌ساخت.

درک وزن شعر در زبان بیگانه امری غیرممکن نیست و با تمرین و تکرار و شنیدن مداوم اتفاق خواهد افتاد. اگر فرد قادر به تشخیص وزن در اشعار بیگانه شود، به درک و فهم صحیح‌تری از شعر نائل خواهد شد و در نتیجه ترجمهٔ بهتری خواهد کرد. این امر علاوه بر تسهیل ترجمه، حظ و لذت شعری را حتی در زبان بیگانه دوچندان خواهد ساخت. همچنین مطالعه و بررسی زبان مادری و غور در آن، راه را برای فراگیری زبان‌های دیگر هموار خواهد کرد.

پیشنهادی که در پایان این پژوهش مطرح می‌شود، این است که در هنگام ترجمه اشعار، وزن شعری نیز مورد توجه قرار بگیرد و این موضوع نیز سنجیده شود که ترجمه موزون اشعار، در فهم بهتر آن تأثیر خواهد گذاشت.

### منابع

- بهار، محمدتقی (۱۳۸۹)، *دیوان شعر ملک‌الشعرا بهار*، تهران، نگاه.
- خانلری، پرویز (۱۳۳۷)، *وزن شعر فارسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین (۱۳۸۵)، *شناخت شعر در عروض و قافیه*، تهران، هما.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *آشنایی با عروض و قافیه*، تهران، فردوس.
- صدفی، علیرضا (۱۳۶۵)، *طرح عروض پارسی*، تهران، فروهر.
- فضیلت، محمود (۱۳۷۸)، *آهنگ شعر فارسی (وزن، قافیه و ردیف)*، تهران، سمت.
- ماهیار، عباس (۱۳۷۸)، *عروض فارسی (شیوه‌ای نو برای آموزش عروض و قافیه)*، تهران، قطره.
- نقیسی، سعید (۱۳۴۴)، *تاریخ ادبیات روسی تا پایان دوره پیش از انقلاب*، تهران، دانشگاه تهران.
- Апанович, Генади (2003), *Творческая мастерская (справодчик по стихосложению), Поэзия, Москва.*
- Добранина. Т.В./ Францова. Н.В. (2004), *Анализ стихотворения. Издательство «ЭКЗАМЕН», Москва.*
- Карими – Мотаххар. Дж. (2007), *Теория литературы, издательство «Тегеранского университета», Тегеран.*
- Ожегов С.И. и Шведова (2010), *Толковый словарь русского языка, Москва.*
- Орлицкий. Ю. (2002), *Энциклопедия. русская литература (часть: чем стихи отличаются от прозы?)*, Том 9, Москва.
- Пастернак. Б. (1933), *Избранные стихи, издательство «Огонек», Москва.*